



کانون توسعه پایدار امیرکلا

بنیاد امیرپازواری

بندرلنگه و بعد فرماندار بهبهان بود، بخش نامه‌های وزارت کشور مبنی بر نحوه‌ی تیراندازی به متظاهرين را بدون ارسال ضمايم و به صورت انشائي به شهرياني - ژاندارمري و ساواک ارسال نمود. متعاقب اين جريان يکي از اهالي بهبهان توسط مأمور شهرياني به شهادت مي‌رسد. بعد از بيروزي انقلاب که در اثر پيگيري اولياء دم، مأمور شهرياني بازداشت مي‌شود، افراد شهرياني به دليل هميت قسمتي و لوٹ کردن موضوع و شريک جرم پيدا کردن، نامه‌ی فرماندار را به دادگاه انقلاب ارائه مي‌دهند و نهايتاً فرماندار هم بازداشت و اعدام مي‌شود.

در اين جاست که بايد گفت: «واعتبروا يا و الوابصار» زيرا مهندس مرعشي مرحوم که از نيروهاي خوش نام و درست وزارت کشور بود، در اثر يک اشتباه بخشنامه‌ی وزارت کشور را خود انشاء مي‌نمايد در صورتی که از حدود يکصد و شصت فرماندار مشغول به خدمت در وزارت کشور در آن زمان فقط آن مرحوم گرفتار شد. البته همسر ايشان در قم دنبال اثبات بي گناهي ايشان بود، ولی قبل از رساندن حکم بوائت، حکم اعدام در بهبهان اجرا شد. والسلام علی من اتبع الهدی. ■

هزاران ورزشکار معاصرش تعاليم مرحوم آيت الله طالقانی و مکتب مبارزه‌ی مصدق را فراموش نموده و پا روی دم غلامرضا پهلوی نگنارد.

اما اين بزرگواران به تاسی از سرور و سالار شهيدان و آزادگان حسين بن علی عليه السلام در شرايطي احساس تکليف کردند که يا ننگ اطاعت از يزید و يا تحمل جنگ نابرابر يعني از دو عدم يکي را انتخاب نمايند که راه شرف، انسانيت، آزادي و حتی جاودانگي را انتخاب کرده و راست‌قامتان تاريخ بلکه از افتخارات تاريخ بشريت شدند.

ب. تجارب شخصی

از موارد متعدد تجارب شخصی و مشاهداتم در جريان انقلاب که مؤيد عدم توجه معذوريت مأمور مي‌باشد دو نمونه جهت مزيد استحضار آن عالم فاضل، و عامل به علم و نيز خوانندگان محترم حافظ ذکر مي‌گردد:

۱- از سال ۱۳۵۶ که اين جانب بخشدار کيار شهرستان شهرکرد شدم، در پاسگاه ژاندارمري شلمزار روستای مرکز بخش، استوار احمدی نامی بود که روحیه‌ی تحريک و دسيسه داشت؛ تا اين که يکي از موارد اقدامات منجر به درگيري ايشان با رؤسای يکي از ادارات گرديد و به مراجع بالاتر منعکس و موجب بازرسى شد. استانداری و فرمانداری روحیه‌ی ناآرام استوار مذکور را تأييد کردند. در نتيجه استاندار به فرماندهی هنگ ژاندارمري توصيه کرد که اين استوار جابجا شود ليکن هنگ ژاندارمري به لحاظ دفاع و حمايت از هم‌قطار خویش او را به معاونت پاسگاه شهري فرخشهر که به مراتب بهتر و مهم‌تر از شلمزار بود منتقل نمود. متعاقب اين جريان تظاهرات مردم در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسيد. تصادفاً در يکي از روزها که در غياب فرمانده پاسگاه، استوار مورد نظر فرمانده بود، وی دستور تیراندازی به متظاهرين را صادر می‌کند ليکن سربازها همه مبادرت به شلیک هوایی می‌نمایند و يکي از جوانان رشيد و غير خرمشهر يعني مرحوم شهيد عباس صالحی مردم را به مقاومت و استقامت دعوت می‌نمايد و اين استوار با گلوله‌ی کلت کمري خود او را به شهادت می‌رساند و بعد از انقلاب توسط حجت‌الاسلام مرحوم خلخالی، استوار احمدی به دار آویخته شد و هم‌اکنون نام شهيد عباس صالحی بر اماکن و معابر عمومي است.

۲- در بهمن ۱۳۵۷ مرحوم مهندس مرعشي که ابتدا فرماندار

خوشنویسی رباعیات امین

رباعیات امین را ده‌ها تن از خوشنویسان معاصر در گوشه و کنار کشور خوشنویسی کرده‌اند. از جمله شبی که در خدمت استاد حسین شهبازانی میهمان انجمن بابلی‌های مقیم مرکز به مدیریت آقای دکتر کریمیان بودیم، آقای محسن مجیدزاده (روجا) از فرهیختگان گیلان بدون سابقه‌ی قبلی نسخه‌ی از رباعیات امین را خوشنویسی کرده بودند که به شاعر اهدا کردند و نمونه‌ی آن‌ها، این رباعی‌ست:

